

غزل شماره ۴۳۵

بامدعی مگوید اسرار عشق و مستی

تابی خبر بمیرد درد خود پرستی

عاشق شوارنه روزی کار جهان سرآید

ناخوانده نقش مقصود از کارگاه هستی

دوش آن صنم چه خوش گفت در مجلس مغانم

با کافران چه کارت کربت نمی پرستی

سلطان من خدار ازلفت شکست مارا
تاکی کند سیاهی چنن دراز دستی

در گوشه سلامت مستور چون توان بود
تا نرکس تو با ما کوید رموز مستی

آن روز دیده بودم این قمنه ها که برخاست
کز سرکشی زمانی با ما نمی نشستی

عشقت به دست طوفان خواهد سپرد حافظ
چون برق از این کشاکش پنداشتی که حتی

تفسیر فال

مواظب رفتارتان باشید، زیرا در برخی مواقع ممکن است به زیاده‌روی و افراط دچار شوید. همچنین، توصیه می‌شود که بیشتر به خداوند روی آورید، چرا که همه‌ی ما در این دنیا میهمانانی ناخوانده هستیم و سرانجام باید به سوی آخرت بازگردیم. هم‌نشینان نیز ممکن است از خدا دور شده باشند و این امر می‌تواند بر روحیه و نگرش شما تأثیرات منفی بگذارد؛ بنابراین، بهتر است از آنان دوری گزینید. دعا کنید و از خدا بخواهید که ابتدا سلامتی را به شما عطا کند؛ زیرا با برخورداری از سلامت جسمی و روحی، قادر خواهید بود تا روشن‌تر به حقایق وجودی خویش بنگرید. آنگاه رموز حکمت‌های الهی برایتان آشکار خواهد شد و با توکل به خداوند قادر خواهید بود از این طوفان بلاها با آرامش بیشتری رهایی یابید.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)